

Prosecutor's Lack of Discretion in Violating the Presumption of Innocence for Prosecuting Security Offenses



Hassanali Moazenadegan

Professor, Department of Criminal Law
and Criminology, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran.

Email: moazenadegan@gmail.com

Abstract

A fundamental pillar of the criminal justice process—from the detection of crime to adjudication, sentencing, and enforcement—is the necessity of sufficient evidence, whether circumstantial indicators or concrete proof, to attribute criminal responsibility to the accused. This requirement is grounded in the fundamental principle of the presumption of innocence, a cornerstone of Islamic law, international human rights instruments, and constitutional frameworks, including the Constitution of the Islamic Republic of Iran. However, despite this imperative, the latter part of Article 65 of Iran's Code of Criminal Procedure explicitly authorizes prosecutors to initiate proceedings against individuals accused of crimes against internal or external security without requiring any supporting evidence, thereby violating the presumption of innocence.



**Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology**

**Iranian Law and Legal Research
Institute**

**Vol. 1 | No. 2 | Fall 2024 and
Winter 2025
(Original Article)**

<https://jclc.illrc.ac.ir>

DOI:

[10.22034/jclc.2024.2048777.1135](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.2048777.1135)

Given that various provisions of the Code necessitate sufficient evidence for post-indictment measures—especially those concerning deprivation of liberty and intrusions into the privacy of the accused—prosecutors and judicial authorities, despite possessing legal authorization to initiate prosecution, lack discretion in implementing such restrictive measures without evidence. Through a qualitative descriptive-analytical examination of the provisions of the Code of Criminal Procedure, this article confirms the hypothesis that the prosecutor's discretionary power in such cases is unfounded. The imperative to safeguard individual rights and liberties necessitates prompt legislative revision—a matter that must be duly addressed by lawmakers.

Keywords: Crimes Against Internal or External Security, Circumstantial Evidence, Accused Persons, Presumption of Innocence, Deprivation of Liberty, Privacy.

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نفی آزادی عمل دادستان در نقض اصل برائت برای تعقیب جرایم امنیتی

استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی،
moazen-zadegan@gmail.com تهران، ایران

حسنعلی مؤذن زادگان



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و

جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2024.2048777.1135](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.2048777.1135)

چکیده

رکن اساسی فرایند دادرسی که گستره آن از مرحله کشف جرم آغاز تا رسیدگی، صدور حکم و اجرای آن است، لزوم وجود قرائن و امارات یا دلایل کافی مبنی بر انتساب جرم به متهمان است. مبنای قرائت گزاره فوق الذکر، الزام به رعایت اصل بنیادین فرضیه بی گناهی یا اصل برائت است که در حقوق اسلام، اسناد بین الملل حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است. با وجود این، عبارت ذیل ماده ۶۵ ق.آ.د.ک ایران با نقض اصل برائت، به صراحت شروع به تعقیب متهمان جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی را بدون قرائن و امارات توسط دادستان اجازه داده است.

از آنجا که طبق مواد متعدد قانون دادرسی کیفری در مرحله پسا تعقیب توسط دادستان در کلیه اقدامات ناظر به سلب آزادی و ورود در حریم خصوصی متهمان نیاز به وجود دلیل کافی است، دادستان یا سایر مقامات قضایی با وجود مجوز قانونی شروع به تعقیب، فاقد هرگونه آزادی عمل در اعمال اقدامات مذکور هستند. نگارنده این مقاله با روش تحقیق کیفی یا توصیفی-تحلیلی مواد قانون آیین دادرسی کیفری فرضیه گزاره مزبور را مورد تأیید قرار داده است.

ضرورت حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی مستلزم اصلاح قانون در اسرع وقت است که باید مورد عنایت قانون‌گذار قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی، قرائن و امارات، متهمان، اصل براءت، سلب آزادی، حریم خصوصی.



درآمد:

موضوع تعرض جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، استقلال و تمامیت ارضی کشور و صدمه شدید به نظم و آسایش عمومی آحاد جامعه است.

ویژگی صدمات مزبور موجب شده است که در سیاست کیفری نظام‌های حقوقی از جمله ایران به لحاظ شکلی و ماهوی واکنش‌های شدیدی متفاوت و هر چند گاهی نامناسب نسبت به سایر جرایم در قبال ارتکاب جرایم مذکور اتخاذ شود.

به عنوان مثال طبق مفاد ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ (ق.ا.د.ک ۹۲)، بازپرس می‌تواند بر خلاف سایر جرایم متهم یا وکیل او را در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی از مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده بدون هیچ استدلالی مبنی بر ضرورت کشف حقیقت محروم کند. همچنین در این دسته از جرایم که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ ق.ا.د.ک است، وکیل متهم باید از وکلای گزینش شده رئیس قوه قضائیه تعیین شود.

در نظام عدالت کیفری ایران مواد قابل توجهی که در برخی موارد دارای ابهام و اجمال است و تاب برداشت‌های متفاوت توسط قضات در آن محتمل و قابل اعمال است، اختصاص به جرایم مزبور دارد.

از جمله مواد ۲۸۸-۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ تحت عنوان «بغی و افساد فی الارض» در ذیل فصل نهم آن قانون است.

به عنوان مثال ماده ۲۸۶، با طرح عناوین کلی، قابل تفسیر و مبهم به قضات این مجوز را اعطا کرده است که برای احراز مصداق جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی واکنش شدیدترین نوع مجازات برای متهمان یعنی «مجازات مرگ» را تحت عنوان «افساد فی الارض» تعیین کنند.

در ماده مزبور احراز عبارت مبهم و کلی «به طور گسترده» برای ارتکاب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، امنیت داخلی یا خارجی کشور و نشر اکاذیب و عبارت کلی «اخلال شدید در نظم عمومی کشور» برای تحقق احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دائر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها و عبارات مبهم و کشدار یا کلی

«ناامنی یا ورود خسارت عمده یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع» برای احراز جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی یا خصوصی، به وسیله قاضی موجبی برای تحقق واژه افساد فی الارض و صدور حکم اعدام است.

در حالی که قانون کیفری براساس «اصل شفافیت قانون» به عنوان اصل مهم لحاظ «کیفیت قانون» به منظور حفاظت از جان شهروندان، حقوق و آزادی‌های فردی و احتیاط در دماء در اصطلاح حقوق اسلامی، برای همگان و به خصوص قضات در مقام داوری و اجرای آن، باید روشن و بدون ابهام باشد.^۱

حال با وجود عبارات کلی و بدون تعیین مصادیق دقیق جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی _ به نحوی که توضیح داده شد _ مقنن سیاست کیفری شدید و در موردی بر خلاف موازین دادرسی برای تعقیب متهمان جرایم مذکور توسط مقامات قضایی اعم از دادستان عمومی و انقلاب، بازپرس و قاضی محکمه بر حسب مورد قائل شده است.

از جمله موارد مذکور، طبق مفاد ذیل ماده ۶۵ ق.ا.د.ک ۹۲ امکان شروع به تعقیب متهمان جرایم مذکور برای دادستان در هر یک از جهات شروع به تعقیب، بدون نیاز به وجود قرائن، امارات یا دلایلی کافی بر خلاف اصل برائت مقرر شده است.

پرسش مقاله حاضر این است که با وجود نقض اصل بنیادین مزبور، دامنه آزادی عمل دادستان و سایر مقامات قضایی در پیگرد متهمان جرایم مذکور برای احضار، دستگیری، بازداشت، بازرسی اماکن و منازل و ... چگونه است؟

فرضیه مقاله این است که با وجود نقض اصل برائت، مقامات مذکور فاقد هر گونه آزادی عمل در نقض حقوق و آزادی‌های فردی متهمان مذکور هستند مگر این که متعاقب شروع به تعقیب بدون وجود آزادی عمل فوق الذکر در فضای عادی و مجازی پس از تحقیقات لازمه نامحسوس، قرائن و امارات کافی برای اقدام نسبت به هر یک از موارد مذکور تحصیل کنند.

۱. برای مطالعه مفهوم و مبانی «اصل شفافیت» و آثار نامطلوب قانون مبهم «ر.ک» به: مؤذن زادگان، و رهدارپور، ۱۳۹۷، صفحات ۲۲۰-۱۹۳

در ارتباط با تأیید یا رد فرضیه فوق الذکر مطالب این مقاله مشتمل بر دو بخش نقض اصل برائت در تعقیب متهمان جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و تبیین گسترده آزادی عمل دادستان با وجود نقض اصل مذکور مطرح خواهد شد.

الف- نقض اصل برائت در فرایند جهات شروع به تعقیب: اصل برائت مهمترین اصل از اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری است. مفهوم اصل مزبور در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قانون اساسی ایران به صراحت مطرح است.^۱

به موجب اصل مزبور فرض بر بی‌گناهی افراد در صورت انتساب رفتار مجرمانه به آنان در مراجع انتظامی و قضایی است. فقط در دادگاه صالح و ضمن رعایت موازین دادرسی منصفانه بر اساس ادله متقن و تحصیل شده از طرق قانون و مشروع و صدور حکم محکومیت قطعی امکان رفع فرض بی‌گناهی در مورد اشخاص مصداق دارد.^۲

با توجه به اسناد بالادستی مذکور در نظام‌های دادرسی کشور از مرحله کشف جرم تا صدور حکم قطعی و اجرای آن و حتی متعاقب آن، مقامات انتظامی و قضایی به موجب قوانین مصوب و رویه‌های قضایی مکلف به رعایت اصل برائت هستند.

در مرحله کشف جرم که اولین مرحله از دادرسی کیفری است و به قول علمای دادرسی سنگ‌زیرین آن است (آخوندی، ۱۳۹۴، ص ۷۲)، عنایت به اصل برائت مورد توجه و صراحت قانون اساسی و دادرسی کیفری ایران قرار گرفته است.

به موجب مفاد اصل ۳۲ قانون اساسی، اصل بر منع دستگیری اشخاص مگر به حکم قانون است. در صورت دستگیری و بازداشت، موضوع اتهام بلافاصله باید با ذکر دلیل و کتباً به متهم ابلاغ شده و پرونده مقدماتی حداکثر ظرف ۲۴ ساعت به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم شود.

مبنای الزام به تفهیم اتهام با ذکر دلایل بلافاصله پس از دستگیری، رعایت اصل برائت است.

۱. «ر.ک» به: مواد ۱۰ و ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. برای مطالعه تفصیلی «اصل برائت» «ر.ک» به: آشوری، ۱۳۸۰، صفحات ۱۲۱-۱۳۱.

بر اساس اصل راهبردی مذکور در قانون اساسی، طبق ماده ۴ ق.آ.د.ک ۹۲، «اصل، برائت است. هر گونه اقدام محدودکننده سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی جایز نیست و در صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.» برای این که مقامات قضایی یادآور باشند که شرط بنیادین مقررات ناظر به اقدامات محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی برای رعایت اصل برائت چیست، مقنن بلافاصله در ماده ۵ توجه می‌دهد که «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شوند.»

مواد ۴۶ و ۴۴ ق.آ.د.ک ۹۲ که موضوع اختیارات و تکالیف ضابطان دادگستری را در مرحله کشف جرایم مشهود تبیین می‌کند، اولاً در ذیل ماده ۴۴ تأکید می‌نماید که به فرض تحقق جرم مشهود «فقط می‌توانند با رعایت ذیل ماده ۴۶ قانون مبنی بر لزوم احراز ضرورت بازداشت، فقط حداکثر به مدت ۲۴ ساعت مبادرت به بازداشت متهم کنند ثانیاً در صورتی که «قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط متهم وجود داشته باشد.» بدین ترتیب موضوع ضرورت وجود قرائن و امارات کافی در کشف جرم به منظور رعایت اصل برائت امری بدیهی و وفق موازین دادرسی منصفانه، مسلم است.^۱ در مرحله تعقیب متهم با قطع نظر از نوع جرم مورد انتساب به متهم نیز قاعده مذکور در موضوع جهات شروع به تعقیب از زمان اولین تصویب قانون آیین دادرسی کیفری تاکنون امری قطعی و غیر قابل اجتناب است.

ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ ه.ش جهات قانونی برای شروع به تحقیقات را شامل شکایت و اعلام مدعی خصوصی و سایر اشخاص، اظهار و اعلام اداره نظمی و ژاندارم، اظهار و اقرار مقصر، تکلیف مدعی العموم و نظر مستنطق در مواقع جرایم مشهود

^۱ رکن رکن پرونده کیفری در حقوق اسلام و همچنین حقوق کیفری عرفی، نحوه جمع‌آوری ادله و چگونگی انتساب آن‌ها به متهم برای اثبات جرم است. برای مطالعه تفصیلی ادله اثبات کیفری در اسلام، «ر.ک» به: حاجی ده‌آبادی،

در صورتی که خودش شاهد قضیه باشد، مقرر کرده بود. در ماده ۶۱ همان قانون چنانچه کسی مدعی بود که خود شاهد ارتکاب جنحه یا جنایتی بوده است، این اظهارنامه را برای شروع به تحقیقات کافی می دانست، هر چند که مستنطق دلایل دیگر برای اجرای تحقیقات در دست نداشت. اما اگر اعلام کننده مذکور خودش شاهد قضیه نمی بود، به محض اعلام، مستنطق امکان شروع به تحقیقات نداشت، مگر این که دلایل صحت ادعا را به عرض او می رساند.

ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۷۸ جهات شروع به تحقیقات را، شامل شکایت شاکی، اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود، جرایم مشهود در صورتی که قاضی ناظر وقوع آن باشد و اظهار و اقرار متهم اعلام کرده بود.

در ماده ۶۶ همان قانون آمده بود که «هرگاه کسی اعلام نمایند که خود، ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور دارای جنبه عمومی باشد، این اظهار برای شروع به رسیدگی کافی است، هر چند دلایل دیگری برای انجام تحقیقات نباشد، ولی اگر اعلام کننده شاهد قضیه نبوده، به صرف اعلام نمی توان به تحقیق نمود مگر این که دلایل صحت ادعا موجود، باشد.»

به طوری که ملاحظه شد در قوانین دادرسی کیفری سال‌های ۱۲۹۰ و ۱۳۷۸، مقنن با پایبندی به اصل برائت امکان شروع به تحقیقات را برای مقامات قضایی به نحو صریح مقرر کرده بود.

در مرحله تعقیب متهم نیز در قوانین مذکور بدون وجود قرائن و امارات کافی، امکان تعقیب را برای دادستان در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ ه.ش و رئیس حوزه قضایی در قانون دادرسی کیفری ۱۳۷۸ قائل نبود.

زیرا طبق مواد ۲۱ قانون سال ۱۲۹۰ و ۲۲ قانون سال ۱۳۷۸، هر دو قانون هرگاه علائم و امارات وقوع جرم مشکوک و یا اطلاعات ضابطان از منابع ناموثقی در خصوص ارتکاب جرایم بود، امکان تعقیب توسط دادستان یا رئیس حوزه قضایی وجود نداشت. در این فرض ضابطان مکلف بودند که قبل از اطلاع به مقامات قضایی در صحت و سقم شایعه یا خبر

تحقیقات لازمه را به عمل آوردند و معلوم دارند که جرمی اتفاق افتاده است یا خیر. اگر جرمی اتفاق افتاده علائم و آثار جرمی را داراست یا خیر؟

هر دو قانون گذار سال‌های ۱۲۹۰ ش و ۱۳۷۸ ش.ه برای این که ضابطان دادگستری برای انجام تحقیقات لازمه پیرامون جرائم مشکوک بر خلاف اصل برائت به حریم خصوصی اشخاص وارد نشوند و آزادی مردم را سلب نکنند، به صراحت موضوع مذکور را متذکر شده بودند.

در قانون آیین دادرسی کیفری فعلی مقنن به درستی جهات شروع به تحقیقات را در قوانین سابق ذیل وظایف و اختیارات دادستان تحت عنوان جهات شروع به تعقیب در ماده ۶۴ مطرح کرده است. زیرا در موارد مذکور هنوز به متهم دسترسی پیدا نشده تا از او تحقیق به عمل آید.

این جهات قانونی برای تعقیب عبارتند از: شکایت شاکی، اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن، وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس، اظهار و اقرار متهم و اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر.

در ماده ۶۵ همان قانون، چنانچه اعلام کننده جرم ناظر وقوع جرم غیر قابل گذشت باشد، چنانچه دادستان قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی نداشته باشد، صرف اظهار اعلام کننده برای شروع به تعقیب کافی است، هر چند قرائن و امارات دیگری برای تعقیب موجود نباشد.

اما اگر اعلام کننده جرم شاهد قضیه نبوده، به صرف اعلام نمی‌توان شروع به تعقیب کرد، مگر آن که دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد. صراحت متن مذکور در ماده ۶۵ مؤید اصل برائت است و بر مبنای اصل برائت، لزوم وجود قرائن و امارات را برای تعقیب متهم شرط بنیادین اعلام کرده است.

با وجود متن مذکور، در ذیل همان متن، بر خلاف اصل برائت، تعقیب متهم به جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی را توسط دادستان از لزوم ارائه دلیل از سوی اعلام کننده_ که ممکن است شخص عادی، مأمور دولت، ضابط دادگستری یا اشخاص حقوقی باشد_ معاف کرده است.

ب- اختیارات دادستان در تعقیب متهمان جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی^۱

با وجود نقض اصل برائت به نحوی که توضیح داده شد، اختیارات دادستان در تعقیب جرایم مذکور محل مناقشه و آزادی عمل او در نقض حقوق و آزادی‌های متهمان خلاف موازین دادرسی است.

دادستان به عنوان مقام تعقیب در صورت وجود دلایل کافی دارای اختیارات وسیعی در تعقیب متهمان است. به عنوان مثال در پایان تحقیقات دادسرا طبق مفاد ماده ۲۶۸ چنانچه دلایل کافی بر جلب به محاکمه متهمان در نتیجه توافق بازپرس و دادستان وجود داشته باشد، دادستان ظرف دو روز با صدور کیفرخواست از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را برای امر محاکمه به دادگاه صالح ارسال می‌کند.

طبق صراحت ماده ۲۷۹ ق.آ.د.ک ۹۲ یکی از مندرجات مهم کیفرخواست که بر اساس اصل برائت مطرح شده است، ادله انتساب اتهام به متهمان اعم از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و غیره آن است.

حال مسئله این است که دادستان با وجود اختیاری که قانون‌گذار برای او بدون وجود قرائن و شواهد و برخلاف اصل برائت در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی قائل شده است، قلمرو اختیارات او تا چه میزان است. اقدامات او در این موضوع چگونه است؟

امکان دستور احضار، جلب، بازرسی منزل یا محل کار، بازرسی بدنی و... متهمان جرایم مذکور را - که همگی در راستای تحصیل دلیل و در زمره اختیارات او محسوب می‌شود - دارد؟

با توجه به متون مواد قانونی آیین دادرسی کیفری در فرض مذکور دادستان فاقد هرگونه اختیار است. به برخی از این مواد به شرح ذیل اشاره می‌کنیم.

• با توجه به مفاد ماده ۴۳ ق.آ.د.ک ۹۲ که در مباحث قبل، با اندکی اختلاف در واژگان در مواد ۲۱-۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ ه.ش و ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ ه.ش مطرح بود، ضابطان دادگستری در مرحله کشف جرم در صورتی که

^۱ برای مطالعه تفصیلی جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی «ر.ک» به میر محمدصادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۰

وقوع جرم محل تردید است یا اطلاعات آنان در مورد آن ناموثق است و موضوع را به دادستان گزارش دهند، دادستان امکان تعقیب ندارد و فقط می‌تواند با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب را^۱ که اصولاً دستوری جز بایگانی کردن گزارش نیست^۲ اتخاذ کند. طبق صراحت ماده ۴۳ مذکور در خصوص وضعیت مذکور ضابطان و دادستان امکان تفتیش و بازبینی یا احضار و جلب اشخاص را ندارند.

بنابراین به طریق اولی چنانچه قرائن و اماراتی در مورد ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی وجود نداشته باشد، دادستان نمی‌تواند دستور احضار، جلب، بازرسی منزل یا محل کار متهمان جرایم مذکور را صادر کند.

• طبق مفاد ماده ۶۸ ق.آ.د.ک ۹۲ دادستان یا دادیار تحقیق به نیابت از او در جرایم غیر ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک ۱۹۲ و بازپرس متعاقب تعقیب و شروع به تحقیقات در صورتی می‌توانند متهم را اعم در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و غیره آن، احضار یا جلب کنند که دلیل کافی برای توجه اتهام به او وجود داشته باشد. احضار یا جلب بدون دلیل موجب محکومیت انتظامی دادستان یا دادیار تحقیق بر نیابت از او یا بازپرس حسب مورد خواهد بود.

لذا با وجود اذن قانون‌گذار برای تعقیب متهمان جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی بدون وجود دلیل برای شروع تعقیب، دادستان در صورتی که متعاقب آن اراده احضار یا جلب متهمان مزبور را داشته باشد، در صورتی که همچنان دلیل کافی در اختیار او نباشد، امکان

۱. ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: تحقیقات مقدماتی تمام جرائم بر عهده بازپرس است. در غیر جرائم مستوجب مجازات‌های مقرر در ماده (۳۰۲) این قانون، در صورت کمبود بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این باره اظهار نظر کند. تبصره- در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر در آن دادرسی در جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، دادرسی دادگاه به تقاضای دادستان و تعیین رئیس حوزه قضائی، وظیفه بازپرس را فقط تا زمان باقی بودن وضعیت مذکور انجام می‌دهد.

احضار یا جلب برای او وجود ندارد. نقض آزادی اشخاص تحت عنوان دستگیری و بازداشت متهمان به نحو غیر قانونی مستوجب تعقیب کیفری مقام قضایی مستند به ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است.

- طبق مفاد ماده ۱۳۷ ق.آ.د.ک ۹۲ دادستان یا دادیار تحقیق به نیابت او در جرایم غیر ماده ۳۰۲ همان قانون و بازپرس، به منظور تفتیش و بازرسی منزل متهمان جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین بازرسی اشیاء ایشان در صورتی می توانند مبادرت به صدور دستور نمایند که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در منزل یا اشیاء وجود دارد. جهات ظن قوی در پرونده باید قید شود.

از آنجا که دادستان هیچگونه قرائن و اماراتی در خصوص ارتکاب جرایم مورد بحث علیه متهمان مذکور ندارد، به طریق اولی فاقد آزادی عمل صدور بازرسی منزل و اشیاء آنان است. زیرا قبل از صدور دستور بازرسی باید به نحوی از انحاء مداخله شخص را مستند به قرائن و امارات لازم در ارتکاب جرم محرز دانست.

- به فرض این که دادستان یا دادیار تحقیق به نیابت از او در جرایم موضوع غیر ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک یا بازپرس بدون وجود قرائن و امارات به متهمان موضوع بحث دسترسی پیدا کنند، طبق ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک امکان تفهیم اتهام و صدور قرار تأمین کیفری ندارند، زیرا تفهیم اتهام و صدور قرار تأمین موقوف به وجود دلیل کافی است.

- در نهایت چنان که قبلاً اشاره شد، مستند به مواد ۲۶۵ و ۲۷۹ ق.آ.د.ک صدور قرار جلب به دادرسی مستند به دلایل کافی با توافق دادستان و بازپرس و کیفرخواست دادستان منوط به وجود دلیل است. در صورت فقد دلیل برای صدور جلب به دادرسی و به طریق اولی آزادی عمل صدور کیفرخواست نیز برای دادستان منتفی است.

در جمع بندی مطالب مذکور می توان این گونه توضیح داد که اولاً- اذن قانون گذار برای شروع به تعقیب متهمان جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی توسط دادستان بدون وجود قرائن و امارات بر خلاف موازین دادرسی منصفانه و به ویژه اسناد بالادستی است؛ ثانیاً- با وجود اذن خلاف موازین مذکور تعقیب متهمان مذکور، مستند به مواد عدیده قانون آیین

دادرسی کیفری دادستان فاقد هرگونه آزادی عمل در سلب و تحدید آزادی متهمان مذکور و ورود در حریم خصوصی آنان است. در نهایت حسب مجوز ماده ۴۳ ق.آ.د.ک ۹۲ حداکثر می‌توان گزارش اعلام‌کننده جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی را بدون وجود قرائن و امارات کافی حمل بر تردید کرده و دادستان با صدور دستور انجام تحقیقات لازم بدون امکان سلب یا محدودیت در آزادی اشخاص و یا ورود به حریم خصوصی آنان، چنانچه قرائن و اماراتی مبنی بر ارتکاب جرم کشف شد، اقدام لازم قانونی معمول دارد.



نتیجه‌گیری:

عبارت ذیل ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، برخلاف قوانین دادرسی ۱۲۹۰ و ۱۳۸۷ ش.ه. مجوز شروع به تعقیب متهمان جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی را به دادستان در مغایرتی آشکار با اصل برائت داده است.

با وجود نقض آشکار اصل برائت در موضوع شروع به تعقیب متهمان جرایم مذکور، مستند به موازین دادرسی منصفانه و مواد متعدد آیین دادرسی کیفری که در متن مقاله مطرح گردید، دادستان یا با ارجاع موضوع به بازپرس یا دادیار تحقیق، هیچگونه اختیار یا آزادی عملی در سلب آزادی یا ورود به حریم خصوصی متهمان مزبور را ندارند.

ورود دادستان یا سایر مقامات قضایی در فرض مذکور موجب تعقیب انتظامی و قضایی است.

صرفاً به استناد ماده ۴۳ ق.آ.د.ک چنانچه گزارش اعلام‌کننده جرم بدون وجود قرائن و شواهد مذکور موجب تردید به ارتکاب جرم از ناحیه متهمان مذکور باشد، امکان تحقیقات لازمه را بدون امکان برای دستگیری یا بازداشت یا ورود در حریم خصوصی را می‌توان به دستور دادستان توسط ضابطان قائل شد. با این حال عبارت ذیل ماده ۶۵ ق.آ.د.ک به نحوی که شروع به تعقیب متهمان در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی مانند سایر جرایم بدون وجود قرائن و امارات امکان‌پذیر نباشد یا به فرض تردید در صحت اعلام جرم مطابق ماده ۴۳ مذکور عمل شود، ضروری است.

فهرست منابع:

- ۱- آخوندی، محمود، شناسایی آیین دادرسی کیفری، چاپ چهاردهم، انتشارات دوراندیشان، تهران، ۱۳۹۴، هفت مجله، دفتر دوم، ص ۷۲
- ۲- آشوری، محمد، حقوق متهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مجموعه مباحث همایش‌های هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، به کوشش مهرپور، حسین، چاپ اول، انتشارات مؤسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۸۰، صفحات ۱۲۱-۱۳۱
- ۳- حاجی ده آبادی، احمد، مبانی و موارد تفکیک ادله اثبات مدنی از ادله اثبات کیفری در اسلام، انتشارات سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۹۸
- ۴- مؤذن زادگان، حسنعلی و رهدارپور، حامد، «اصل شفافیت قانون و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران» فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، سال بیست و سوم، شماره ۸۱، بهار ۱۳۹۷، صفحات ۲۲۰-۱۹۳
- ۵- میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۰

